

دیوان حجت

غیر علی قبلہ حجت مباد غیر علی کعبہ حجت مباد
غیر علی مقصد حجت مباد غیر علی معبد حجت مباد

مشمول بر قصائد و مثنویات و رباعیات
و متفرقات

اثر طبع

یتیمہ عصر و یتیمہ دهر ابو معین حمید الدین

حجت هاشمی خراسانی

(مدرس علوم عرب و فنون ادب)

جميع حقوق محفوظ و مخصوص ناظم است

شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۹۰۴۸۲-۸-۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۳۹۹۸۷۲
عنوان و نام پدیدآور	:	دیوان حجت مشتمل بر قصاید و مثنویات و رباعیات و متفرقات / ابومعین حمیدالدین حجت هاشمی خراسانی.
مشخصات نشر	:	مشهد : بابکان ، ۱۳۹۰ .
مشخصات ظاهری	:	۶۱۲ ص.
یادداشت	:	چاپ قبلی: وحیدنگار ، ۱۳۸۳ . (۶۲۱ ص.)
موضوع	:	شعر فارسی — قرن ۱۴
رده بندی دیویی	:	۸۴۱/۶۲
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ۳۴۵۵۹ ج / PIR۸۰۲۲
سرشناسه	:	حجت هاشمی خراسانی، علی، ۱۳۱۴ -



مشهد مقدس / خیابان استانداری / جنب چاپخانه گوتمبرگ / پلاک ۹

نام کتاب :	دیوان حجت (مشمول بر قصاید و مثنویات و رباعیات و متفرقات)
ناظم :	ابومعین حمیدالدین حجت هاشمی خراسانی
چاپ :	گوتمبرگ مشهد
تعداد صفحات :	۶۱۲ صفحه
نوبت چاپ :	دوم کتاب / اول ناشر
تعداد چاپ :	۱۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار :	بهار ۱۳۹۰
قیمت :	۶۰۰۰۰ ریال
ناشر :	انتشارات بابکان
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۹۰۴۸۲-۸-۴

کلیه حقوق چاپ محفوظ و مخصوص مولف محترم می باشد



تمثال مبارک قطب العالم آية الله العظمى
حجة الله الكبرى حضرت أمير المؤمنين عليه السلام



تمثال زبدة الإصفاء
وفدوة الأولياء
حاج شيخ حسنعلی اصفهانی قدس سره



تمثال حسنه عصر و نادره دهر
حجّت هاشمی خراسانی
سبط حاج شيخ حسنعلی اصفهانی

« شرح مختصر از حال صاحب دیوان »

نام : علی، کنیه ابو معین، لقب حمیدالدین، تخلص : حجت از سادات موسوی
در سال ۱۳۵۴ هجری قمری در ۲۴ ماه صیام در مشهد رضوی دیده بجهان گشوده تا سنین
هفت سالگی در آنجا بوده و بعد همراه والدین مدت هفت سال در فخرآباد و حاجی آباد نیشابور بوده
و قرآن و بعضی از کتب فارسی و خط در آنجا آموخته بعد به مشهد مراجعت کرده و در مدرسه
بالا سر حضرت که اکنون جزء حرم مقدس شده نزد استادی مشغول خواندن جامع المقدمات گردیده
و بعد نزد ادیب راموز شیخ محمد تقی نیشابوری رفته و سالها خدمت او بجان و دل کرده تا بمقام
شامخ تدریس رسیده و اجازه تدریس بمن داده و در نزد علماء بزرگ آن زمان چون آیت الله فقیه
سیرواری و آیت الله شیخ محمد کلباسی و شیخ حسن ادیب هروی و شیخ حسن ادیب خاوری و جز
اینها که در کتاب مرات الحجه مسطور است تحصیل علم فقه و اصول و حکمت و کلام و رمل و
اعداد و حروف و هیئت و نجوم و جزاینها کرده و به اسرار و حقایق علوم به مقدار استعداد و قابلیت
نائل آمده و از سال ۱۳۷۰ هـ. ق مشغول تدریس علم ادب و تکمیل نفوس و تربیت صاحبان استعداد
شده و برای تحصیل علوم نیاز به ارتحال و انتقال به بلاد دیگر نشده زیرا بلده مادر آن زمان مرکز علم
و محل دانش و کمالات بوده نه چون این زمان که از علما خالی و ارفضائل عاری.

بیان بعضی نعم الهی در حق این وامانده از سعادت

۱- احراز مقام شامخ تدریس ۲- تألیف کتب متعدده ۳- مسافرت به داخل و خارج کشور (عبات
عالیه عراق پنج مرتبه مسافرت به عربستان سعودی حج دو مرتبه عمره ده مرتبه در اوایل عمر در
ضیق معیشت بسر می بردم ولی بکس اظهار نکردم و عرض حاجت پیش احدی نکرده و خود را
همیشه مستغنی و بی نیاز قلم داد نموده و اکنون خداوند بقدر ضرورت و بیش از ضرورت مرا مستغنی
از عالم کرده و بر این نعمت بسیار شاکر حق تعالی می باشم.

سبب حجت

نسبت موسوی به چندین واسطه به حضرت شاه چراغ در شیراز می رسم و شجره نامه خود را در مرآت الحجت یاد کرده.

دیانت حجت

صاحب شریعت مصطفویه و طریقت مرتضویه و سخت دوستدار حضرت مصطفی و فدائی علی مرتضایم و خدا داند بقدر امکان رعایت امور شرعیه کردم و در زمان خود چون خود کمتر می دانم که در جلوت و خلوت حالش یکسان باشد.

شمائل حجت

قامت رشید، سبک بار و سبک پر، صورت کشیده، دیده میخی، بینی اشم چون حضرت امام سجّاد که فرزدق در قصیده اش گوید (فی عرینه شم) واسطه بین لاغر و سمین .

اخلاق و آداب

انزوا و خلوت را بر معاشرت با خلق ترجیح داده از آنکه نوع بشر چون ماهند و دین تو چون کتان از شهرت و ریا و سمعه بی زار و لی حق مرا مشهور ساخته چون آفتاب و معروف گردانده، چون ماهتاب وله الحمد علی ما اولینا وله الشکر علی ما اعطانا و از حرص و طمع خالی و بقناعت و مناعت طبع بسر برده و اکنون که سنین ۱۴۲۳ قمری است و سنین عمر قریب به هفتاد رسیده بیشتر مایحتاج حاصلست و آنچه نیست لزومش گاهی است و رفیق اندک گرفته از آنکه صدیق در آنها کم است و با حزم و سوء ظن با مردم جهان زندگانی دارم و با احتیاط طی مسالک میکنم و چنانم که طغرائی گفته :

وانما رجل الدنيا واحداً من لا یعول فی الدنيا علی رجل

وحسن ظنک بالایام معجزة فظن شراً و کن منها علی وجل

غاض الوفاء و فاض الغدر و انفرجت مسافة الخلف بین القول و العمل

و بواسطه مناعت طبع و علو همت و عدم اعتناء به غنی و ثروتمند و منت نبردن از خلق و

تعظیم نکردن دولتمند مرا به تکبر و تبختر نسبت دهند و حال آنکه مرا تکبر نیست و خود را نیکو می شناسم که در آغاز چه بوده‌ام و در انجام چه می‌شوم و اکنون چه هستم و یا چه حمل می‌کنم و چون با هر کسی حق را می‌بینم و هر چه دارم اولاً از خدا است و ثانیاً خدا را بیشتر حاصلست و از اینرو جای فخر بر کسی نمی‌ماند و ما بحول الهی از ابتدا مناعت طبع داشتیم و از فلک منت نکشیدیم و چنان بودیم و هستیم که ابن سناء الملک گفته :

واظماً ان ابدی لی الماء مِنة و لو کان لی بحر المِجرة مورد
و لو کان ادراک الهدی بمذلة رایت الهدی ان لامیل الی الهدی

و با فقر و فاقه اظهار فقر پیش کس نکردیم و خار خورده و بار برده و فقط اظهار حال نزد خدا و ائمه اظهار نموده و یا هیچ ناچر و ثروتمند آشنا نیستیم و مراوده ندارم و نمی‌خواهم آشنا شوم زیرا طالب دنیا نباشم و حرص و آز ندارم و در محل احتمال مال و منال قدم نگذارم و در این زمان از طرف علما شهریه به طلاب می‌دهند و اکثر آنها بمن نمی‌دهند از آنکه منت آنها نبرم و حاشیه نشین آنها نیستم و خداوند مرا مستغنی ساخته و از عالم غیب روزی مرا رساند و خواسته حسن مضمون « و ان استطعت ان لا یكون بینک و بین الله ذونعمة فافعل » در حق من صدق کند و چندین بار از نزد آنها و غیر آنها عطا سرزده و من قبول نکردم تا بنده نشوم و در اواخر عمر در منزل تدریس کنم و در گوشه خلوت و عزلت بسر می‌برم و منت از مدرسه و صاحب مدرسه برای مکان تدریس نکشم و حضرت ولی عصرم لطف نموده مدرسی را در منزل قرار داده و اختیار آن همیشه در دست من است و نیاز به بیرون آمدن از منزل ندارم مگر برای ضرورت و از خداوند نهایت رضایت از این عنایت بزرگ را دارم (و لا اری الخلق و لا یرانی) و توفیق دوام ذکر و دوری از هر غذای مشبه و عدم حرص به اکل و شرب و اعطاء قلت عیال و مؤنه و دوری از هر ریا و سمعه و مرا در موارد بسیار حفظ کرده و در مجالس بی شمار ذکر نموده و از شهرستانها بویژه تهران خواسته‌اند برای تدریس بروم ولیکن دوری از جوار حضرت رضا (ع) سخت مشکل است و گویم به حضرت چنانچه ادیب نیشابوری اول گفته :

چکم بسته دو زلف توام مرغ پرسته کی کند پرواز

و علاوه رفتن به شهر دیگر اگر برای دین باشد دیانت در مشهد بیشتر است و اگر برای دنیا باشد اهل دنیا نیستم و بقدر کفاف کافی الارزاق می‌رساند و از حق نهایت شکر گذاری دارم که مرا نیازمند به خلق نکرده و مضمون (اللهم صن وجهی بالیسار و لا تبدل جاهی بالاقطار) را در حق من

انجام داده و مرا یکی از عجایب عصر خویش و حسنه از حسنات دهر خویش قرار داده. اگر چه مردم مقدار ما ندانند جز یکی دو تا از علما عصر که خویش دانا و فاضل و قدر دان دانا و عالم اند و از این حقیر تا کنون آثار خطیر پیدا شده تدریس من بهترین تدریس و کتب تألیفیه در شروح کتب ادب نافعترین کتب و آثار دیگر که ذکرش باعث ظن سوء می شود و حق مرا ملجأ و کھف قرار داده در قضاء حاجات و ظهور آیات (الحمد لله رب العالمین حمدا یفضل علی حمدالحامدین کفضل ربی علی خلقه اجمعین)

و بعضی از کتب مطبوع است چون: مفصل شرح مطول و فوائد الحجّیه شرح نهجۃ المرضیه سیوطی و مہدی الارب شرح باب اول و چهارم مغنی اللیب و شافیه شرح حاشیه در منطق و بدایہ شرح ہدایہ در نحو و فوائد حجّیہ شرح فوائد صمدیہ شیخ بھائی و شرح چہل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع) و شرح ۱۱۰ از کلمات و جملات امیرالمؤمنین (ع) و مرات الحجّۃ شرح حال اساتید و بعضی غیر مطبوع است چون شرح قصائد سبع علویات ابن ابی الحدید و شرح مناجات خمسہ عشر و غیر اینہا و اکنون قصد چاپ کردن دیوان کردہ ام کہ مشتمل است بر قصائد بہ بحرہای مختلف و مثنویات نیز بہ بحرہای مختلف و رباعیات و بعضی از غزلہا و قطعات و تک شعرہا و این اشعار من در مقابل شعراء سابق قابل اعتناء نیست و فقط برای بقاء در روزگار و اشتمال بر بعضی از فوائد و عوائد کہ مردم ہشیار را مفید است و ہیچ مدح امری یا وزیری برای دنیا نکرده و بر طبق تمام حروف الفباء قصیدہ نگفتہ ام و آنچه گفتہ شدہ بر حسب مناسبت و اتفاق حاصل شدہ و مجال شعر گفتن و وقت صرف این فن کردن نبودہ و علی اللہ توکلّت و بوجہ توسلت .

حجّت ہاشمی خراسانی



غیر علی قبلہ حجت مباد

غیر علی کعبہ حجت مباد

غیر علی مقصد حجت مباد

غیر علی معبد حجت مباد

